

اخبار کارگری

تجمع بازنستگان فرهنگی سندج مقابل استانداری کردستان

روز گذشته بازنستستانگان فرهنگی سنندج مقابل استانداری کردستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این بازنستستان که هنوز ۶۰درصد از پاداش پایان خدمت خود را دریافت نکرده‌اند، می‌گویند: معوقات مادر گذر زمان بی ارزش شدو پادلا ۸۰هزار تومان قدرت خرید خود را از دست داده است. بازنستستانگان فرهنگی همچتین به عدم اجرای دقیق رتبه‌بندی و همسان‌سازی اعتراض دارند. آنها تا امروز بارها مقابل نهادهای مختلف از جمله دفتر ریاست جمهوری و مجلس در تهران دست‌به‌اعتراض صنفی زده‌اند. در همین زمینه «حسان عظیمی‌راد» نماینده مجلس در شبکه‌ایکس نوشت: یادخواست اینجانب و حمایت ۵۱ نفر از نمایندگان مجلس، اعمال ماده ۲۲۴ آیین‌نامه داخلی مجلس علیه ترک فعل سازمان برنامه و بودجه در باره عدم پرداخت حقوق بازنستستانگان فرهنگی نیمه دوم ۱۴۰۰ و پاداش بازنستستانگان فرهنگی ۱۴۰۲ کلیدخورد.



👇👇👇

تجمع بازنستگان مخابرات در استان‌های مختلف

بازنشتستانگان مخابرات ایران روز دوشنبه (۱۰ دی‌ماه) در اعتراض به عدم توجه به مطالباتشان در استان‌های کردستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، ایلام، اصفهان، آذربایجان غربی و برخی دیگر از نقاط کشور تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بازنشتستانگان مخابرات تاکنون بیش از ۸۰ تجمع در اعتراض به وضعیت خود به صورت سراسری در استان‌های مختلف برگزار کرده‌اند. عدم اجرای بدون تنازل آیین‌نامه رفاهی، فریز مطالبات، افزایش سهم بیمه تکمیلی بازنشتستانگان از ۲۰درصد به ۵۰درصد، عدم تسویه هزینه‌های درمان توسط بیمه معلم و دانشا، عدم اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱ و تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی درباره بازنشتستانگان بعد از خصوصی‌سازی، از جمله مطالبات این بازنشتستانگان است.



👇👇👇

پرستاران طبس به محقق نشدن وعده‌ها معترض هستند

پرستاران طبس از عدم پرداخت معوقات و مبلغ ناچیز کارانه انتقاد کردند. به گزارش ایلنا، این پرستاران با بیان اینکه معوقات تعرفه‌گذاری و اضافه‌کار ما پرداخت نشده، گفتند: سیستم تعرفه‌گذاری ناعادلانه است اما با این حال همین تعرفه‌های ناعادلانه نیز به حساب پرستاران واریز نمی‌شود. اضافه‌کار اجباری نیز با تاخیر بسیار پرداخت می‌شود. این پرستاران که روز یکشنبه مقابل شبکه بهداشت و درمان طبس تجمع کرده بودند، خواستار بهبود معیشت پرستاران شدند.



👇👇👇

تجمع کارگران ماهشهری وارد دومین روز متوالی شد

روز دوشنبه (دهم دی ماه) جمعی از کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌های خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این سومین دور از اعتراضات کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر است. این کارگران بیشتر در دهم دی‌ماه ۱۴۰۲ و شهر یور ماه سال جاری (۱۴۰۳) هم برای رسیدن به مطالبات خود تجمع کردند اما در پی بی‌توجهی به خواسته‌هایشان، بعد از چهار ماه از آخرین دور از اعتراضاتشان، روز یکشنبه و دوشنبه (نهم و دهم دی‌ماه) مقابل شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر تجمع کردند. در این اعتراضات صنفی، کارگران پیمانکاری و قراردادی که معیشت‌شان تامین نمی‌شود و نسبت به سایر کارگران، حقوق و دستمزد کمتری می‌گیرند، شرکت کردند. مهمترین مطالبات این کارگران عبارت‌ستست از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه‌ه هم‌تراز با سایر واحی شاغل در سایر شرکت‌های منطقه، ایجاد امنیت شغلی و اجرای دستورالعمل مجمع سالانه شرکت که در دو بند آن به پیگیری و رفع مغایرت به وجود آمده در دستمزد و سایر مزایا و بر رعایت سقف حقوقی ابلاغی صنایع پتروشیمی خلیج فارس برای شرکت اصلی و زیرمجموعه آن تأکید شده‌است.



زهر معرفت

بیش از سه‌ماه از حادثه معدنجوی طبس، یکی از بزرگ‌ترین حوادث کار ایران، می‌گذرد. ۵۳ کارگر در این حادثه کشته و حدود ۱۴ کارگر نیز بر اثر استنشاق گاز متان مصدوم شدند. این حادثه که به دلیل وسعت تلفات، بازتاب گسترده‌ای داشت و تا مدت‌ها صدر اخبار رسانه‌ها بود، حالا دیگر به دست فراموشی سپرده شده و اخبار مربوط به آن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اوضاع کار در معدنجونیز به روال عادی برگشته هر چند اوضاع برای کارگران و خانواده‌هایشان دیگر به روال قبل بر نمی‌گردد. در طول این مدت، از کارگران متوفی و خانواده‌هایشان زیاد شنیده‌ایم؛ روایت مرگ دردناک کارگران، زندگی تلخ بازماندگان و علت وقوع حادثه بارها سوزه رسانه‌ها شده. از کارگران آسیب‌دیده و اوضاع و احوال‌شان اما کمتر نوشته شده است. حالا بعد از سه‌ماه متوجه شده‌ایم کارگرانی که در آن شب از معدن جان سالم‌به در بردند، اوضاع خوبی ندارند. آن‌طور که برخی خانواده‌های می‌گویند، کارگران شب حادثه معدنچو، آسیب مغزی دیده‌اند، پزشکان عذر برخی را خواسته و تشخیص از کارافتادگی داده‌اند. بسیاری از آنها فعلانی توانستند کار کنند و برخی احتمالاً تا آخر عمر‌شان هم به وضعیت عادی برنگردند. خانواده این کارگران، این سه‌ماه را با مستمری ۱۰ میلیون تومانی معدنچو گذرانده‌اند؛ مستمری‌ای که معلوم نیست تا چه زمانی تداوم داشته باشد. روایت حال و روز خراب زندگی این کارگران را از زبان همسرانشان می‌خوانیم.

پولی برای پیگیری در مان نداریم

«مهدی راوندی» کارگر، ۴۱ساله معدن‌وساکن روستای چغتای است. تا پیش از آنکه گرفتار گاز متان شود، او امر د کاری روستایی دانستند. پیش از این، برای تأمین خرج خانواده، دو هفته در معدن کاری می‌کرد و دو هفته در روستا اما حالا خانه‌نشین شده است. نه توانی کار در معدن دارد و نه آن‌طور که همسرش می‌گوید، او را برای دامداری می‌پذیرند.

او که در شب حادثه برای کمک به آسیب‌دیدگان وارد تونل شده بود، چنان آسیب دید که سه روز به کما رفت و بعد از به هوش آمدن، حافظه خود را از دست داد. حالا سه‌ماه از روزها گذشته. همسرش می‌گوید: «ما را ی گرفتاریم و دکتر تایید کرده که آسیب مغزی دیده است. می‌گویند همسرم از کارافتاده شده‌ام چون کارت پایان خدمت ندار، حتی نتوانستیم پیگیری کارهای از کارافتادگی‌اش شویم».

«سر دردهای شدید دار و حواسش سر جایش نیست». این حالت به ظاهر ساده را خانم راوندی در وصف حال و روز همسرش می‌گوید اما از توضیحات، مشخص است که این «حواس‌پرتی» چندان هم حالت ساده‌ای نیست و تبعات بسیاری دارد: «خانه ما روی‌روی یک جاده است و همسرم گاهی تا سمت جاده می‌رود و نگرانیم که اتفاق بدی برایش بیفتد. گاهی حتی تا دستشویی هم نمی‌تواند برود و باید کمکش کنیم. گاهی فقط یک جامی نشیند و گاهی فقط راه می‌رود. درست مانند یک بچه شده که کسی باید مراقبش باشد. سر کار که می‌روم در اراقفل می‌کنم تا خانه بیرون نرود.» کارگر ۴۱ساله سابق معدنچونمی‌تواند کار کند. همسرش می‌گوید: «قبلا وقتی به روستا می‌آمد، برای کارش سر و دست می‌شکستند. حالا کسی قبولش نمی‌کند. یک روز برای کار به گاوداری رفت اما روز بعد گفتند دیگر نباید.»

زندگی آنها حالا با درآمد ۵ میلیون تومانی خانم راوندی و مستمری ناچیزی که از معدنچو پرداخت می‌شود، می‌گذرد. تأمین اجتماعی هم بعد از سه‌ماه، به تازگی غرامت دوران بیکاری را

روزگار تلخ کارگران مصدوم معدنچو و خانواده‌هایشان؛ سه‌ماه بعد از فاجعه بزرگ

مات در قابی عبوس و سیاه



پرداخت کرده است. خرج درمان بالااست. به خانم راوندی بیمارستان ابن سینای مشهد را برای ادامه درمان معرفی کرده‌اند اما آنها پولی برای پیگیری درمان ندارند.

«زندگی ما نابود شد و رفت…» این آخرین جمله‌ای است که از همسر آقای راوندی، کارگر جوان از کارافتاده معدنجوی طبس می‌شنوم.

جوان ۲۸ساله‌ای که دیگر خوب نمی‌شود

«علی عباس‌زاده» کارگر ۳۸ساله معدن است که حالا به گفته همسرش، دیگر شبیه یک مرد ۲۸ساله نیست و مثل بچه‌های ماند. او را همان روزهای اول عمل کردند و آن‌طور که همسر این کارگر جوان می‌گوید بعد از عمل، دیگر به حالت عادی برنگشت. در توصیف همسرش می‌گوید: «حافظه‌اش را از دست داده. آدم‌ها را می‌شناسد اما نمی‌تواند جایی برود. حرفی نمی‌زند و کاری نمی‌کند. باید خودمان دستمش را بگیریم. حتی کوچکترین کارها را هم با کمک ما انجام می‌دهد. یک نفر را می‌خواهد که از او پرستاری کند. مثل یک بچه کوچک می‌ماند. همان‌طور که نمی‌شود یک بچه دوساله را تنها گذاشت، همسر ۳۸ساله من را هم نباید تنها گذاشت.»

گریه‌می‌کند، کمی آرام می‌شود و ادامه می‌دهد: «هر روز با فرزندم برای همسرم و وضعیتش گریه می‌کنیم. از آن مرد جوان سر حال چیزی نمانده و فقط غم و غصه‌اش بر ایمان مانده است.» به این سیاهی بیماری و تغییر یک‌شبه چهره یک مرد، درد معیشت را هم باید اضافه کرد. خانم عباس‌زاده می‌گوید: «قبلا همسرم دو هفته در معدن کاری می‌کرد و دو هفته در نیشابور اما باز هم

یک نفر را می‌خواهد که از او پرستاری کند. مثل یک بچه کوچک می‌ماند.

همان‌طور که نمی‌شود بچه دوساله را تنها گذاشت، همسر ۳۸ساله من را هم نباید تنها گذاشت

می‌کرد و دو هفته در خلیل‌آباد نصاب ایزوگام بود. حالا اما نمی‌تواند کار کند. سسر گیجه دارد و نمی‌تواند روی پشت‌بام بایستد. نمی‌دانم کی خوب می‌شود و اصلاً خوب می‌شود یا نه؟»

زندگی‌شان با همان پرداختی ۱۰ میلیون

تومانی معدنچو می‌گذرد. این مبلغ حتی بخشی

از هزینه‌های زندگی را هم تأمین نمی‌کند. بخشی

از این هزینه صرف اجاره خانه می‌شود و بخش

دیگری هم خرج خورد و خوراک و البته هزینه‌های

درمان آقای عصمتی: «هزینه‌های درمان زیاد

است. بابت هر ویزیت ۳۰۰هزار تومان پرداخت

می‌کنیم و هزینه دارو هم ۵۰۰ تا ۶۰۰هزار تومان

است.»

تأمین اجتماعی برای این کارگر به تازگی غرامت

دوران بیماری واریز کرده است. همسر عصمتی

می‌گوید: «بارها به تأمین اجتماعی زنگ زدم و

گفتم سه‌ماه از آن حادثه گذشته تا اینکه بالاخره

این مبلغ را واریز کردند. شرایطمان خیلی سخت

شده با یک بچه دو سال و نیمه. خودم هم نمی‌توانم

سر کار بروم.»

بهای از دست دادن سلامتی

در ایران آمار حوادث کار بالاست. طبق آخرین آمار پزشکی قانونی در سال ۱۴۰۲، بیش از ۲هزار کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند و بیش از ۲۷هزار کارگر نیز مصدوم شدند. به این آمار بالای مرگ و میر و مصدومیت ناشی از کار باید عدم حمایت کافی از خانواده‌ها بازماندگان و کارگران مصدوم‌شده را هم اضافه کرد. بهیای که در ازای جان و سلامتی کارگران پرداخت می‌شود، بسیار ناچیز است. همان‌طور که نیروی کار کارگران را به‌بهای ارزان می‌خرند، جان و سلامتی آنها را نیز به‌ثمن بخش معامله می‌کنند.

اگرچه به دلیل عمق فاجعه معدنچوی طبس و بازتاب گسترده آن در رسانه‌ها، حمایت‌هایی از خانواده کارگران متوفی صورت گرفت اما واقعیت این است که اوضاع و احوال کارگران و بازمانده‌هایشان بعد از وقوع چنین حوادثی، چنین نیست. زندگی آنها به معنای واقعی کلمه سیاه‌شده، همان‌طور که برای کارگران مصدوم‌شده معدن طبس چنین بوده است.

کارگران معدنچو بابت از دست دادن سلامتی و تیره‌شدن بهترین سال‌های عمرشان از کار فرما ۱۰ میلیون تومان ماهانه دریافت می‌کنند. مبلغی که به گفته برخی از فعالان کارگری، پشتوانه مشخصی ندارد و معلوم نیست تا چه زمانی پرداخت خواهد شد. آنها بیشتر نیز ۵۰ میلیون تومان گرفته بودند که به گفته بسیاری از خانواده‌ها، همان زمان خرج دو و در مان کارگران و مخارج روزمره شده و تقریباً چیزی از آن مبلغ باقی نمانده است.

برای بسیاری از این خانواده‌ها به تازگی غرامت دوران بیماری برقرار شده که این مبلغ به قدری ناچیز است که اگر بخوایم آن را بیهای از دست رفتن سلامتی و تبعات آن به حساب آوریم، باید به دید یک شوخی تلخ بزرگ به آن بنگریم! آنها که قرار است مقرری از کارافتادگی بگیرند نیز اگر بتوانند از این مسیر سخت بگذرند، مبلغ بسیار ناچیزی در ریافت می‌کنند که به هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگوی تأمین نیازهای اولیه خانواده باشد. کارگری که تا پیش از این با چند شیفت کار، به سختی نیازهای اولیه خانواده را تأمین می‌کرد، بعد از آنکه از کارافتاده شد، باید با یک مقرری بسیار ناچیز به زندگی خود ادامه دهد.

خانواده کارگران مصدوم معدنچو از آینده زندگی خود می‌ترسند. آنها هنوز نمی‌دانند که آیا همسرانشان به حال سابق برمی‌گردند یا نه و آیا می‌توانند مانند سابق کار کنند و نان آورزندگی باشند یا نه؟ آنها روزهای سختی را می‌گذرانند. خودشان می‌گویند صدایمان به کسی نمی‌رسد و به حال خود رها شده‌ایم.



قانونی مراجعه کردند که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل یک درصد افزایش داشت.

کارگران روغن نباتی فریکوشش ماه است حقوق نگرفته‌اند

یکی دیگر از این کارگران نیز گفت: توان خرید گوشت قرمز و مرغ را نداریم و بی‌پولی چنان به ما فشار آورده که روی رفتن به خانه اندازیم. به گفته این کارگران، جداز حقوق، اعتبار خدمات درمان تأمین اجتماعی کارگران روغن نباتی فریکو در استان کرمان به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما تمدید نمی‌شود و هم‌اکنون کارگرانی که خودو خانواده‌هایشان نیازمند دریافت خدمات در مانی مراکز ملکی تأمین اجتماعی‌اند، با مشکل روبه‌رو شده‌اند.

این کارگر به نیابت از سایر همکاران خود درخواست مداخله مسئولان و رسیدگی به مشکلات کارخانه را مطرح کرد و افزود: پس از گذشتت سال‌ها از مشکلاتی که برای کارخانه فریکو ایجاد شده، برای چندمین بار از مسئولان کشوری می‌خواهیم به مسئله بالکلکلیفی کارخانه روغن نباتی فریکو و معوقات مسزدی و بیمه‌ای کارگران ورود کنند.

یک سال کار معادل ۶۰روز آخرین مزد، به عنصوان عیدی و پاداش بپردازند. مبلغ پرداختی از این بابت به هر یک از کارکنان نابدا در معادل ۹۰روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند.»

بنابر این مبنای تعیین عیدی، دو ماه مزد خود کارگر است نه آن‌گونه که به اشتباه در برخی کارگاه‌ها و در رسانه‌ها رایج شده. حداقل دستمزد، به عبارتی باید مزد خود کارگر مبتنارفر بگیرد اما حداکثر عیدی، سه‌ماه حداقل دستمزد است.

بلند نشود تا تاب و تواتش سسر آید. هادی با این وضعیت فعلانی‌تواند کار کند. آن‌طور که همسرش می‌گوید: «دوستانش یک روز آمدند و گفتند می‌بریمش سر کار نباتی که حواسش گرم شود و بهتر شود اما هادی یک صبح تا ظهر رفت و بعداز ظهرش در بیمارستان بستری شد.»

تأمین اجتماعی چند روزی است که برای هادی غرامت دوران بیماری واریز کرده. همسر این کارگر می‌گوید: «منتظر بودیم بیمه پول بدهد تا قرض‌هایمان را بدهیم. بارها پیگیری کردیم اما تأمین اجتماعی دائم می‌گفت واریززی زیاد داریم و برای شمارا ماه‌های بعد واریز می‌کنیم تا اینکه همین چند روز پیش بالاخره واریز کرد.»

اینکه «هادی نوباغی» کارگر ۴۰ساله معدنچو کارگر می‌تواند به کار برگردد را نمی‌دانیم. برخی از پزشکان می‌گویند او بهتر می‌شود و برخی دیگر گفته‌اند شاید دیگر به حالت قبل برنگردد. همه آنها اما نظرشان در مورد کار در معدن مشترک است؛ هادی دیگر نمی‌تواند و نباید در معدن کار کند.

زندگی سخت خانواده عصمتی

اوضاع و احوال «حجت عصمتی» کارگر ۴۰ساله معدنچوی طبس را همسرش این‌گونه شرح می‌دهد: «عصمتی از نظر اعصاب و روان به‌هم ریخته. بعد از آن حادثه انگار آدم دیگری شد. کم حرف می‌زند و پر خاشک‌گری می‌کند. پادرد و کمردرد و سر گیجه امانش را بریده. گاهی هم درگیر فراموشی زودگذر می‌شود.»

ادامه می‌دهد: «گاهی کنترلش را از دست می‌دهد و می‌دانم که وقتی به این حال می‌افتد، باید از خانه بیرون بروم. چند ساعتی با بچه دوساله‌ام بیرون می‌مانم تا مطمئن شوم حالش بهتر شده و بعد به خانه برمی‌گردیم. تقصیری ندار، نمی‌تواند خودش را کنترل کند. من که حواسم سر جایش درد بیماری و پر خاشک‌گری ناشی از استشمام گاز متان و افسردگی ناشی از دیدن مرگ همکاران، یک طرف و ناتوانی برای برگشتن به کار و مشکلات معیشتی ناشی از بیکاری یک طرف دیگر، همسر عصمتی می‌گوید: «قبلا دو هفته در معدن کار

۷۴ کارگر مازندرانی در حوادث شغلی ۸ماه نخست سال جان باختند

۹ فوتی و نوشهر با ۸ فوتی، بیشترین و شهرستان‌های نکا، فریدونکنار، بهشهر، عباس‌آباد، جویبار و تنکابن هر کدام با یک فوتی کمترین موارد مرگ بر اثر حوادث کار را داشتند. مدیرکل پزشکی قانونی استان مازندران به تفکیک سن متوفیان اشاره کرد و گفت: بیشترین سن مربوط به افراد ۲۱ تا ۴۰سال یا ۱۹ فوتی و سنین بیش از ۶۱سال با چهار فوتی کمترین آمار طی ۶ماهه امسال گزارش شده‌است.

عباسی در پایان درباره تعداد مصدومان حوادث کار استان مازندران افزود: بیشترین سن مربوط به افراد ۲۱ تا ۴۰سال یا ۱۸فوتی و سنین کم‌تر از ۲۰سال یا ۷فوتی کمترین آمار طی این هشت‌ماه گزارش شده‌است.

عباسی در پایان در ارتباط با افزایش یک درصدی مصدومیت حادثه‌خ کار در استان مازندران نیز افزود: براساس آمار مراکز پزشکی قانونی استان طی هشت ماه امسال ۵۹۱ نفر (۵۶۴ مرد و مابقی زن) مصدوم ناشی از حوادث کار به پزشکی

کارگران روغن نباتی فریکوشش ماه است حقوق نگرفته‌اند

یکی از این کارگران در گفت‌وگو با ایلنا گفتند: کارگران روغن نباتی فریکو با احتساب دی‌ماه، شش‌ماه حقوق معوقه طلب دارند و در تنگنای مالی هستند اما اقدامی از طرف مدیران کارخانه و مسئولان استانی برای حل مشکلات صورت نگرفته است. او گفت: شش‌ماه است حقوق نگرفته‌ایم. در حال حاضر چندسال است تولید روغن به حداقل ممکن کاهش یافته‌ام چون خیریی از پرداخت حقوق نیست، هر چند روز یک‌بار همکاران دست به اعتراض صنفی می‌زنند.

به گفته‌وی، تأخیر شش‌ماهه در پرداخت حقوق قانونی کارگران کارخانه روغن نباتی فریکو باعث شده که آنها در شرایط سخت معیشتی قرار بگیرند طوری که کارگران در تأمین مایحتاج روزانه خود ناتوانند.

وای افزود: بی‌پولی به اعتبار، منزلت و کرامت کارگران روغن نباتی فریکو ضربه‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده‌است.

حداقل عیدی کارگران امسال ۱۴ میلیون و ۳۳۲ هزار تومان است

به گزارش ایلنا، قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول، مصوب سال ۱۳۷۰ مجلس در مورد عیدی می‌گوید: «کلیه کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون کار مکلفند به هر یک از کارگران خود به نسبت

کلیه کارفرمایان واحدهای مشمول قانون کار امسال باید حداقل ۱۴ میلیون و ۳۳۲ هزار تومان و حداکثر ۲۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به عنوان عیدی و پاداش پایان سال به کارگران خود پرداخت کنند.